المره تلفون ١٩٠٠ ا

م المالية عمامة معامة الم وجه اشتراك : داخله ١٠٠٠ قران ٥٠٠ قران ٣٠ قران

صاحب امتیاز و مدیر مسئول ؛ داور این روز شامه پدون القاضای کتبی پسرای کسی ارسال نمیشود عل اداره : طهران خهابان اسلاميول قيمت الك شياره ٥ شأهي است

ه من كند شته ها را فراموش كردم . ميدان أثبه يروى همه باز است . مرکه داست راه رفت به پذون خصوصیت نه هم کس باشد در الحت حابت من است ، هركس أز خط مسلقهم منحرف شد سباعقه غضب من او را

نا هواتوني

ایران امهوز هم محتاج بهك رئیس با وجودی است كه باین زبان حرف پزند البيتة ابن لحن يسليقة اغلب علم دارهاى سياسى ما تمى جسيد .

مَا عَادَتُ كُرده أَيْمَ زَمَامُ دَارِهَاى مَاوَاتَ عِنْ دَاشَلَهُ بِأَشْبِهُ عَنْ رَبُّيْسِ الوزرائي حسكه بِعرف هأى اا مربوط ما اعتنا لكند خائن و جالى است .

ولى سعبت از ابن نبست كه ما جه مي خوا هيم : بابد ديد ايران جه A Maria Carlo Maria Carlo Carl

ا ار ابران حزب جي ۔ بعني ان قسمت از ابران که هنرش دسته بنسدي و فرقه سأزى است ــ ان را كنار بكنداريم ـ ما يقى ـ از ارس كرفقه كا عمان ـ همــه اس را می خواهند که با لها امنیت بدهد _ بحکدارد باسود کی کار کند و به واحق

وطع دار مفید بحال ایران کسی است که بداند درد اصلی ما فقر و بیسکاری آمَتِ و برای نهیه وسائل رفع أن اعجاسٌ لایق را 🚄 مَرْفُ نَظَرَ ازْجَهَأْتُ حَزْبِي 🚅 دُور خود جع بكند ـ يكار بېندازد و دو شمن بهمه بنهياند د اكر مثل ادم راه رفتيـد فيها الراد - و الا و أي بر عها - أ من بازي أميشود كرد - من أو دستي ه

مَا مَمْلَقُدِيمَ وَمَامِدَارَ جَامِعِ القرايطيُّ بَهِرُ أَوْ أَقَاى شَرْدَارُ شَيَّةٍ يُرَأَى ﴿ إِيرَانَ فِيتَ و آمهنوادیم که دکر بیش از این مردمها در انتظار نگذارند .

یه ـ مرچه زود ار باید بیایند و بومه اشان بدهند منی کفایت جیست و کار کردن یمنی چه ا

اروز افزون آن می شود 🕺 💮

أيطالها با يُسلَّى از دول بالكان دائما

ساير دول فرنك مثل علكت أسكائد بناوى

مر کشکش است

هاند و غيره در البحه ابن الفاقات و اين

اوضاع فرانكستان أز كسب و كار با ز

أين است اوضاع فرلك - أُجَّةُ الفاقي

فردا پیش وواید همیج کس تمیقواندیطوریقین

يبش بيني لما يد ولي من مللي من دولتني

باید این منظره وحشتناك را در نظر كرفته

مملكت خود را مهيا امايد كه در سورت

كبرى از حنك مهبا بودن براى ان است

أبطا وينويسنك

مسئله زمانداری اقای سردارسیه دکر

قمام است - امروز صورت خارجي يبدأ

الكند فردا خواهد كرد مي و فراه بي

. أمن هم مثل شيا معلقدم كه بدتر أز

سردارسیه کسرا اداریم - ولی شیاهم الله

السديق مي أنهسد كه الهما أذا بت و شخص

رگیس دولت کافی لیست : کمام ممال و

مخموساً اعضاء دوات ـ يعنى وزرا ـ همه

بايد با كنايت باشند .

الابق اربن سردارهای کاریخی اسکر

ملل قديمي است كه بهترين وسيهجلو

لزوم يعواله از خود دفاع كند

ورفارحه

ے اوشاع اروبا روز مروز وخیمتر ہما كردد در سرائس آن مي كدام از عالك كرفتار بك درد لاعلاجي شده الد

و الله الله الله المرابع ما در الله والله مربونان ودا شد و در اللبجه دیکا اوری لظامى تشكيل كرديد يربروز كلكرافات خارجه كوداي مجدد راكه هنوز اكليف أنمعلوم نيست اطلاع ميدأد

. ر سه ماه قبل کودنای بلغار پش آمد كه در مان موقع ما آن را كشريخ أموده أهميت أن را خاطر نشان لموديم -حنوزاين دولت مستقر تهده طرفداران دولت سابق قبام کرده قشوای کشکیل دوده شروع آبردو خوود کرده آند

الله آلف كرفته مي سوزد -ازطرفي ا اختلافات احزابٌ دست جب و. دست رأست بیش آمده از طرفی بعض قسمت هسای آن در صدد گجزیه از المان بر آمده اقد اطريش ومجارستان از تقطه نشار أنزل يول وكعهد برداخت غرامت كزافيه المسأخرين

دو انگلستان عده پیگارها مهروز پروز آفزوده

و الهستان با المام بديشاني موجوده قرش علكت در أزايد و مخارج قشوان دوز

سأحب منسيأن حسابي تداشهند هبيج كادى از پېش نمي پردند .

مرواراو

اول اصلاح انتصادى

ی خود اقای سردار سبه اگر میخواستند أمور لشكرى را يدست اشخاس بي مرضه و اطلاع بسيار الد قشون فعسلي ما يه وجود

ر مرقدر يك المر وماسدار قوى الفكر باشد مارام که وزرا و عال دولت همه از بين مردمان لابق اللخاب اشدة الد كادهاى

اكر ابن اسل صحبيج است بس بايد المام طرفداران جدي و معقدين واقى حكومت شردار سيه سي كنند اشخاسكافي

عواه خواه حقيقي سردار سيه ان كسى لبست كه جراى وزارت ورياست ودش سنك يسينه ميزاد - أنكسي است كم براي وبشرقت كار أين حرف فوق الساده فحكر م كند الله عن كردد له عن بيند كي لايق است و اقای سردار سه را بیاد اعضاص كافي مباندازد .

بنا بر ابن مقدمات است که من یک المر أو لابق كربن سياسيون دوره مشروطبت را من خواهم ياد اورى كنم : كفي زاد. .

ي تقني زاده از ان وطن برسلهائي أست كه هست حوجي هنوز بدامان باكش ارسيده

الرخلاف أكثر و مابون ، تقي زاده مرد با فضل و الحلاع أست ـ فكر هساى الو داود ... ال اوساع ادويا يخوي مسبوق هده و مصالح ایران را خوب میشناسد . اكر شماهم با من هم عقيده هسليد ابن نذكر مرا درج حكايد - بهر حال ن ر ندارد و يقول كي از دوستان شما وُ ينده و كاه باشد ، منبد و بموقع الفاقي

احارسهري التخأب رئبس الوزراء

برای کشرف حضور الوکانه رفته و شسایم يود كم قيول ريانت وزراء وأخواهند نمود أبه يعضى إشخاص لبز شفاها إظهار نموده أألد كه روز بك شنبه ككابف كشكيل

ماءم سلام

بزراء كردن محال است .

ولايق بإيشان مُعرَفي شود .

بَهُمَّرُ ازكفي زاده وزير امورخارجه في يراي دولت سرداو شيه سراخ الله شوة

هَيْجِكُس امن أوالد دُرايران دوسليش شبهة The same second of the same

🐭 گ دیروز: آغای سردار سه قبو ل مقام رياست وزراء رأ تنموده و جواب رد باقدول وأهم بمرض عليحضرت هابو أي ارسا ليده

بوداد . عصر روز كندي هم مساحبة أابـة تموده کایبنه معلوم طواهد شد

امروز بمناسبت يوم تولد حضرت

غارجه بالأوه اجرت بست

حِونَ أَمْرُوزَ لِمَادِفَ لِمَا لُولُدَ حَصَرَتَ خَلَمَ مَرَاتِينَ صَلَاقَةً وَ عَلَيْهِ وَ اللَّهِ وَسَلَّمَ الموده و عليه أدارات و دوائر دوالسي المطيل أست ألذا روّز المامه ما فردا ملكتشر

سنمایش مرد آر آن

لبله جمه ۲۲ همین ماه داده خواهد شد بلیط را از پشیج شب قبل در کراند هتل

بازی منصلی در میدان مشق امایش دادهٔ

Transfer Commencer Land

الله شكايت أ لمان ها إز ونشتورك الله

تفلیس وسیده است موقعی که شورای معجدهٔ

فنقازيه درنفليس براى الهيه مقدمات عهدنامه

المجاري بين روس و آلمان كمسيون لعكيل

داده وزارت امورخارجه به نیابنده کیسماسی

تفليس كاكيد لمود كه اطلامات جاسي دواين

باب تحسيل و رويرت يدهد أينك لهاينه

مزاور البجه كاملي أحداد زيرا شرأيطي كه

و المتوارك بيعنهاد بدوات مي أ. ود قابل قبول

ابوده فقط والثقورك الوابستَ با يـــكي د وُ

كمبالى أ ليال شراكي كه يُنفع أو المام شد

ينمايد أبن شركت راجع بيحمل و أقل مأل

التجاره است از أروباً شعت سهم أز أسهامً

ابن شركت ملماق به والمتورك واداره اجاركي

دولتي است كه كبيالبهاى المأنى برداخهاند

مقصود ألمائها أبن بود بابن وسبه

مواق شولد بطور الرائزيت مال التجاره بدة

أبران حل نما يند ممداً لك؛ همه ابن الدامات مو فق تشد

ونشلورك اشكال در ببشرفت مقاصد 7 نها

فراهم لمود و مامورين المان أز رفتار

ازاع در مناب از قرار رابورای که بوزارت داخله

رسيدُه است كيس از حَرَات شركام السلطنه

از عياسي يه ميناب بين اوويهادرالملطان

نزاع شديدى شده در نتيجة بهادر المأطاق

ازميناب خارج شده و ضركام السطنة مهنأب

راً لمصرف اموده أست .

محكومة كرمان اوسط حكومت عماسي

بمقارأ الية للسكراة اص تموده كه دست از

نزاع و شرارت بر داشته میساپ را نخلبه

نهاید و الا پؤسیه فود اظامی جبراً او را

زد و خورد باگرا سمه

که اشرار کراکه کے او شامراء خراسان

مراجعت مهـ کردند در مشبله حرب حق با

رايورت واسله از پنجنورد حاكي است

خارج خواهند المؤد الله الله الله الله

أين ادارات اي أهلله الله الله الله الله

بموجب رابرنی که از نماینده سیاسی

رسول صلى الله عايه و إله وسلم دو ساعت كوجك خان رأبس قستي أزسوارهاي مستحفظ رأه مسادف شده پس از زد و خوردزیاد قبل از ظهر سلام عام در عسارت کاستان سه أفر إز كراكمه مقلول و مجروح شده دو منعقد خواهد شد مراسم معمولی به عمل خواهد ٦٠٠٠ ين جيون اليواق اسب شش مادیان یکقیده گفتك ورندل و مقداری اسیاب مسافرینی را که سرفت کرمه 其实是"man of the 多联位 بودند استرداد نموده است حكومت بجنوره 🔌 مب كذشته نبز بمناسيت عبد آاش

داد ات الرابية الماد الم بالمرار المرار ا

كوچك خان را آمجيد نموده و باو خلمت

از وزارت خارجه بوزارت داخله می اويسنه راجع متمت الر شر و مناركومان وَجُهُ أَمْدُ كُمْ أَزْ شَرَّ دَارَانَ الْوَجَالِيُ أَزْ طَرِفَ أشراد بكوي شرقت شده يؤد وبه خاك ووسيه فرار حضرده بودند منالب بمقارت روس لرعله عد له من بينة زود أن أواش لازمه در استرداد مسروقات مزيور سادر تعبيبة را اطلاع دهداد و بسفارت أبران در ممكو و ودرال قولسوكرى با عكنه وقولسو الكري عنق أباد در ابن بب معور السل ولازم داده عد که اقدام بمایند

دارالسلس وسبه كار بيدا مبكلد

جون از حبث بودجه ۱ اندازهای نواقس دارالمعلمين مرقدع هده بدراي لدريس المنه خارجه فرائمه و انكابسييش تهاداني أز طرف اداره دارااسمامين بوزارت ممارف شده که مورد نصویب واقع و مو النبجه دو افر مملم مجرب ولابق که کی از انها آقای مسیرزا حیب اللہ خان مفانسری دبيلمه دارا لفنوف (ژنو) باشد براي كلاس های طلی آن انقحاب شدند . ناسبس کلاس دوا سازی

و جون وزارت ممارف تصميم كرفته احت معدرسه دوا سازی را که نا بحدال منحصر به یک کلاس بود توسعه داده و مُن اسال عدم اي داو طلب حديد بيديرد لذا بر حسب بیشنهاد آداره مدرسه طسی آقابان عليم الملك - دكتر مبداقة خان احدیه و میرزا مداف خان بر زاده برای الدريس در كلاس جديدا لها سيس العاب Was a factor of the second

كرابه اوكرموبيل

بوزارت ماليه نوعته عد كه عص صد اومان كرايه أو لوموبيل آقاي آبت الله خَالِسِي وَا أَوْ شَيْرَازُ إِسْفِهَانَ بِيَعْدُونَكُ إِلَاكَ

ارزائی قیمت نان

فيل حكومت نوسط بلدبه به خباز ها علان

موده که نان را از قراری یکن دو قران

أروشند و از أرخ سابق منىچهار صددينار

دبروز و دبشب لقريبا سه ساعت

اطـلاع وأصله از خرم اباد حاكي

است قسمتی از تجار بندر شاهوار و خرم

أباد كه قبل از أوةبف أملاك الكابني يراج

روغن از امیر اسعد خریداری امسوده

وداد و حالیه در وصول ان اشکالالی پیدا

. . . هدان

ن غروب اول برج عقرب متجارز از جهار

رار رای بوده و اشخاصبکه حائزا کربتند

۱ وزیر جنگ ۱۰۰۰ ۲۷۱۳

٧ حاجي ميروا عبدالوهأب ٢٠٨٣

٣ ضياء الملك بسب عليه

: طياطيائي حمدائي 🛴 💮 ٩١٠

منتبر حضور الله ١٠٠٠ ١٩٢٨

٦ أمَّا سبد عبدالحسين ٢٣٠

ابداز أستخراج أراء عهرى صندوق

٧ - ميرزا ايراهيم خان ملك آرائي

٣ ساحاجي ميرزا اسحق مجتهد

٤ ـ شاهر أده سردار مفخم

· هـ و نوق الأسلام · · · · · · ·

٦ - فطن السلطنه

الرأء مستخرجه از روز ۲۹ میزان

شده در کلکرافخانه متحصن مهیاشند .

ارزان ار نیاند

از بوشهر اطلاع ميدهند كه جند روز

باز دید مدارس

بسرای مماینه مدارس رئیس کل معارف الصميم كرفته أالد شيخصا بمدارس رقله از خادمین صمیمی آشویق و اوانس مدارس را معاینه امود در رقع آن اقدام لازم بعمل أوراد

غرق دراب

و حكمرأن كبلان مواد رايسرت اداره تقلميه رأ يوزارت داخله ارسال داشته كه أساعت دو ومد از ظهر ينجم ماه جاري اوان مأمور منطقه واه دار خالة جنب يل عراق أطلاع دام كه شخين عهول الأسمى يسن بنجاء سال در رود خاله اب خنه شدهجمد اورا كرفته و أسم اوهم معلوم الكرديدسيس با اطلاع مدمى المعوم و أجازه حكمرانجمه leci ci becker in the state was a property

الراهدان الرمييل يستى وايرت وامل از قروين حاكي است ك الومييل يسلى كه أز طهران الى مزوين والر شده بود از قزوین برشت هم دائر اقعه است الانهام المالية الله الله المرافزة المرافزة منع مسافرت والمدائة ووالم

از طرف وزارت داخه ملحد المالا به حکام کرمانداه و خربستان و بوشهر و ينادر و كردستان لوشله شد برحس ايلاغ وزارت امور خارجه در جلسه ۷۷ مسران حيثت دولت مويب الموداد كه از مسافرت أشيئاس في بضاعت بخاك عثماني عالست هود يسموم مامورين سرحدي إكيدا قدفين قيائيد مفاد كسويب كامه فوق أرا يموقع أجرى كذاشعاز سافرت اشخاس فوقالذكر قويا جلوكيرى ونهابند

دوسهه فواسانات

از الجمن الخارت مركسزي طهسران ومكونت طهران توشقهشد كدر ضنن ملاحظه دوسیه لواسانات مسداری در اخدادل ، اس اللخابات يتفلو أكبس وسيد و يعشى اشخاس شکایت کرده و عنوانانی در مراسلات خود أموده الد كه أو الجمن هم بالها مراجه شد ولي مماركي ارائه الدادند معهذا أنجس لازم ميداند كه دوسيه راجع به فراسالات وا به بارک بدایت ارسال عابد که اکسر در

سنك اسراد.

از حملیات آرسن لوین

كَالَيْفُ: موريس ليلان

احوال ديكرمطل نشده بسرعت بنزديكترين أيسلكاهاى

راه اهن كه مي دانست خودرا رسائدة بليط كرفتهرواته

الرجمه : عد على - كلشائبان

بوارله بعد از كرفان أدرس رفيق رئيس سجل

فرداى أنروز سبح يتهر باريس رسيده بودأيتدا

جند جا از ابن و ان سؤال کرد کا خانه لوثی والداس

راً حِمْتُ ابن عَخْصُ ادْمَى بود بِسَنْ شَيْ سَالَتَي بِأَوْمِافَهُ.

كشاده و خندان از اين وضع جهره و رفقار ملايمانه

اقًا خرض أز السديع ابن أست كه يدر من د ر

قَلْمَةُ سُلُكَ أَسرار محبوس است وشايد با أو كَمَان دبكر

هُم باشند که به پوخت بد او دجار می باشند ا بن است

که من هم برای اطلاع و هم برای تحقیقات راجع ببارن

و المراس يوكرك كردية روا الدائسة - بعت: -

لموده و البجه وأ بحكومت ارسال داراند بضمهمة دوسبه الملخابات بمجلس شورأى حکارت آب

آب بمحله شاه آباد در روز المسه ما درج

شدة بود بنابر اطلاطاني كه بمارسيده أست ر ارسیدن آب بهبچوجه از طرف آ.اره ساه اقصیری نشده و این مسله ناشی ازکم ندن آبانوالی بوده است که برای مشروب اردن عل بكار ميرقته است و بطوري ك الحلاع داريم بعد از قلوات ديكر اب تدارك نقاطی واکه آب ترسیده بود مدروب آباران باریدا است

** احمار واحله **

رعد و برق شدید ... الطلاع واصله از ملاير حاكم أست كه

بيشب أز ابتداء شب طورى القسلاب هوا با امایت شدت شروع کرد که از کثرت برق و الكرك مهيب بنج رشته سيم المكراف جند ساعت كعليل الموده و بيم سيل عقليمي میناوداد که نااب اهالی در میل مجله خود ا كخلبه لموده مترسد كسادف با مخاطرة يغرار ذيل است 🛴 🖔 🖟 🖟 negation of the second

١٨٠ استر داد اموال مسروقه المامة أَزْ قرار اطلامي كَمْ أَزْ قُورُهُ رُسَيدهُ است علامان أموأن كارت شده وا إز الوار يس كرفته الد دو أفر او الوار مقول دو أواس أسب كعه شده بنظاميان شدمه واره لقده كارت يسكرفه وابه برو جردفر ستأدماند صلا خبری از الوار ایست 🖔

المراجعين علياء المستخط ای آراء پلوك های زمها ورامنسد افشار موجب الملاح واسله از شامرودهوم هم استخراج لموده الد اكثريت آراء آقایان علماء و اجار شامرود به الکرافخانه لى عصر وتجشنيه ١٤ ربيع الاول أو أين آمده و برای توهین به آقایان علماء کیمبد قرار آست نوران کی دیکوران ١٠ - شيخ عد على المولى شده ملحصن شده الد

اولدي عديد

از قرار رابرت وأسلم از زبر آب شب كذشته أز بكساعت بفروبمالده ا مقارن معرب الكرك سخلي باريده بس از آن قريب مهنتي أَوْ أَشْكَالِتُ لَمُعْهِبُ وَأَ كَارَمُ بِدَائَتِدامُدامُ ۚ يَكَسَاعَتَ بَارِأَنْ شَدِّيمِي باريدن كرقته كه تَا

انفردی مستاجر عما این ج امده ام

اجاره أز من كرد من هم بأو اجاره دادم

حوان موخرمائي با جشمهاي خيلي موثر نيست ؟ "

چانه داود که ۱۱ نزدیك فكل او شیده میشود

جطور ۱ کی است یکو ۲ · ۰۰

والراس كفت : - جرا و يك ريش هم در وير

﴿ وَوَارِكُ فِيشَ خُودُ وَ كَمْنَ الْمُسَادُ كَافَتُ :

و او الله در جواب كات : .. آمّا مسقاجير شميا

خودش است هان اوست ۰۰۰ و المراس كفت : ــ

درد معروف آوس لوين ميباهد و المراس كه اسم

ارس لوین را شنهده و در ژوز نامه کار های عجیب

ا و غریب او را خوالده خیلی خوشحال از آین حرف

كسنون حمجو بإراني ديده نشده أز ديتب ا حال سول عقایمی از کوهسار می اید که رود خانه کالار معلو است و هوا چلد روز است بي الدازه سرد شده بطوريك بدول الش جندی قبل شرحی راجع به ارسیدن کدران ممکن ایست

وزيع كمرفه از وزارت داخة وقت واسته بود از طرف وزارت داخه جوابداده شد الجازه المديد مطايق قانون با وزارت داخله نیست مدایک در قانون مین میشود باید کالد رمايت شود اله المهاري الاستان ا

. المراجع المراسان من المراسان . ومرض مرسالم المراسية والمسالم المراس

وارده سي

إداره بديه در تعقيب حفر جارى برای آبهای کنیف شهر شروع یک:-من قسمت خروس خبابان سرده و از أول بيدان اويطاله ابن حليات شروع شده

ريعه مكتند !

" البعه اكر ما در علكمي مثل امربكا يا فرائمة بوديم كه بسواسطه وطويت هوا و استقداد اقليني واحت أما فورا أمو كرده و در مدت خیلی کی شاخه های مغودرا يه كهكشان ميرسائهد - اليته من با ايناقدام بلديه موافقت مبكرهم ولىملاحظه

آراء كليه الماط حوزه درجز واسل قرائت شده است خما قريب خالمه بام انتخابات داده خراهد شد من حنايت أست . و فوشهر

> الجمن نظارت مدنول استخراج أراء واعند عنوز التخابات خالمه نيافله بكن أست كا دوسة روز ديكر تتيجه معلوم

مشفول اوؤيع امرقه هسائد راجع يه

قدهه و تجف آباد النجمن معين و شروع الدام نمودند المساوي

حكومت المفهان براى تمديد مدت

ايالت خراسان كلكرانا بوزارت داخله أيرت مي دهد كه المتخابات درجريان است ماقرب خالمه خوامد یافت نعبجه آن را

آقاىمدىر لميدانم اين دوروز أخير بخيابات ناسريه كشريف كرده أيدًا يا

بدیسی است کا حون در کنار خیابان درختمای كهن سال يأفت مبشود أ قايسان

زمامداران بلدیه اس داده الد انهسا را از

بهرمانید در این علکت کم آب خفا که در الستأن سابه يكشاخه درخت لعمد غيرمترقيه محموب مبشود بريدن ابن درخت ما يعقيده من با كال سميديت موافق با اسلاحات و

شارد ۱۵۴

دد هستم و يك بلديه غنى و بأ قدركي که با دوسه کرور گومان شروع بهساختن مِسادی آب پنماید کم قسم باشد کمك می كنم - حق اكر خانه خود من هم ازخط راست منحرف شده و کوجه و ممبر را کسیم معوج تموده باشد، با كال خوشرولي حاضرم بلديه خراب كيند

ولى با ترونى كه مجالةا بلديه نهران دارد و معلوم آیست جگونه این عصاری را واهد ساخت و پکجا آ نها را خواهد سااید من میکریم کندن این درخت ما یك وع كناهي است غير قابل هنو ،

آیا نی شد جری را دروسط خیابان رار داد پیچی کارین

من مهادس لبستم ولي هين قدر مي ومم که برای ساخان بك منجری موهوی ماقبلش معلوم ايست ايايد بكي أز يهدين نبابان های بایلخت را پدون درخت کنند من عقيدة خود را عرض كرهم و خوامش م كـنم در آن حربده شريعة ام يدوع فرمائيد لا شايد موزد لوجه ومامداران يلدى واقم شده لجديد تقلر در اقعة منعة

> تعبده الد يعمل أوراد ... c.e. and and and the

اخبارخارج

الحبار روبتر مورط شنبه ۲۲ اکبر ۱۹۲۳ وعامت اوضاع المسال 🖈 💮

برلن ۲۷ اکتبر ـ جریده وریش زيتواك از لسهنكبرين جنين أطلاع مىدهد مذاكرات رؤساء رومن و فرالسوى ها كرديد - ارباب سنايع اظهارداشتهاند ابن شرايط قرالسوى ها ادامة كارغير است _ وخامت اوضاع اقتصادی یکی از زحات فکری بزرگ استراسمان شده است اللاكران مسادن دُغال مُرمَركن للان

، کارکران کشتی ها در پدار هامپورك پا بهانه ازدیاد اجرت دست از کار کشیده اید كاركران شهر برلن ليز اظهار داشله السد كه مركاء الا سه روز ديسكر دولت الرايين برای برداخت مزد دا بر یك بول الیان تدهد اعتماب خواهند تمود

Y inin

د کاکین قانوائی در شهر بر آن غارت شدند ـ دولت حرکت پیرقهای قرمزدا منع كرده است ـ مانيتر وليك ريشتاك بوزارت ارزاق گیین عدم است

مابون سقرط کابیله را گفاضا می گنند _ اجزیه خواهان یون _ دیز بارن -ارود وبزبورك را كمرف اموداد

ميثت الجأر در ديز بارن اغتصاب مبيق دكاكين ارزاق قروشهرا غارت

کرده و موقفهای بلیس را نصرف کردا۔ ولى با مساعدت دمله نظامي كه كمك بليس رسيده از القاط مزيوره والده شدند - در ماميورا افتقاشاكي يوفرع يبوسله ات ك أز سال ۱۹۱۸ كا كنون نظـند ان مـا ديد لعده است

اشتراكبوق مردس المحربك كرده و استحكاماتي ساخه الد

ور اطراف شهر جنك های سخت ورقوع ، ويولدد للفات الها عالى أز احمرت

المام كاركران در حال اسطيلند خط أمن بين هامپورك و لويك را برأى جلوكيرى أز ورود معون خراب كردند ولى ينوريت اسير عد

مركزشهر در اداش وبليسانطاما عنوظ المعداشة أست

عبثت المحاديه لمجار يساز زدو اورد هائيسيارا نيست ما را از اكن لاشابل غارج **Zetk**

احالی در سالی که پسرودهای وطن مرساله مترتم بودند يبرق جهورى راساني را مر كوجها باره باره مي كرداد الله المعتبين به عادت بديه ، 4 مرسكار

سارائيست هايوة حله كرده و الها را از الحا راندند ولىساراليست عا بيك وسعورال فته واز أنجأ شروع بشلبك يطرف جمهت بموده عده کثیری را مجروح بمودلد .. در اينموقع بلبس رسيده و سباراليست هارا خلع

در این حملیات باهویکی ما بیطرف

منطقه المسكليس در اراض اشف أ

هنظم است و المحمد و الم خبر واسله از هامبورك مشمر استكه در مدأدمات أخيره ٧ افر بليس مقلول و

١٩ نفر مجروح عد، أند ولى انقلابيون دجار للفأت شديدى شدند بطوری که ۱۶ اثر از آنها مقاول

و ۱۰۴ انر مجروح کردیده اند . امهوز يعد از ظهر مجددا انقلاب و جنك در بارمیك والهیمند شروع شد ـ اعتراكيون از يام منازل ية بابس شلبك من سڪردند ولي يلبس ها مقاومتي يض ج داده و ضلا كاللا اللظامرا يرقرار كرده الد

انتلاب برقان در پمنی از ولایات بونان نیزانقلاب غرو ع شد " و قوای نظامی هم مساعدت گرده اند

فعلا مردم بيهانه يبطرف بودن وأت انتخابات سقوط كأييله را ميخواهند أهرب أن

ائن ۲۳ استعبر - قوای تناس باخلوى ألى كه با شورشهان مساعدت كردة بِودَلد اسْلَيْمَ شُدَّهُ وَ أَظْهَا وَكُرُوهُ أَنْكُ كُلُّ سَأَحْبُ منصبان الهارا فريب داده الد

طرفدارانو نیزلوس و زیمیت ما مخالفت با انقلاب را مگذب کرده الد ـــ انقلابهون در ایلاغیه خود سلطان را برای حفظ حقوق خروش دعوت بر الحديد كابينه لمرده اند و الا جنك داخلي بوقوع خواهد يورث المراهدي المراهدي

(بالاثنيا) مذاكراتي كه فيها بين إحزاب برسيم باريس علاقه در موضوع المكهلات يك حصكومت وضعيت المان ﴿ بِالْابْنِ ﴾ شروع شدَّه است حنوز أدامة كرفلا ـ در ساعت شش امروز آهالي

(كسرفله) در الحدريات (اديلي وااس صد طرفداران اجزیه (رن ۲ از آلیان قيام اموده الدو ألها را با رولورو غيرنموره حه قرار داره الد . الله علي الله الم

جنك در كوجه ها و در اينه دولتي پطور خیلی سخت جریان دارد . جنك من بود ال سأعت هفت ادامـه داشت ولي طر ف داران آجریه (رن) از آلیان دارالحکومه را در احت أصرف خود لكاء داشته أله كموليت ها و مراجعين و طر ف دارا ن آزادی میادلات د رالحکومه را مورد حـه

قرار دادة الله ، عدم زيادي مقتول شده خبر واسله از (هامپور ك) حاكم است كه دستجات كوجك با كدمونيست ما

منفول حنك همقند بي تفلي مائي در (كولون) تفاق افعاده يليس يدون ابنكه الحه ألشى وأبكا

بُيرد يقوم سر ايزه مقفرق كرده است بموجب مطيوطات باريس . صدراعظم آلمان مقصود عمدة از مسافر اش درهار كني ابن است که بدای خطر مظیری را بیش عنهمایدوجهوری (رقان) را مثل طرف داد امیراطوری آلهان و (کو لون) دا

قوای دولق (کوزنت) را در احت السرف در آورده الد وليضت برضدانقلايبون خاكمة إبدا كرده است . أ مثل طرفدار رأيس جموري مرداند إلىان - جريدة (ثان) اشعاد

روزاامه (ددیا) اشأر می دارد که

الهنت طرفدأران اجزيه (رن) از المان

بنقار ماید که موفقیق حاصل بناید

لميته طرفداران الجزيه (رن) أو آلمان

در (ارو) ار كر يافعه است و طرفداران

مذكور (كويلالس) را لېز درگحت اسرف

باریس - ممبو بوانکاره رئیس الوزوای

فرائسة مراسله ومتوأن وزير مخصار سويس

مقهم باریس ارسال داشته و در آن لذ کر

داده است که راجع پدنطقه های پی طرف

دوات فرانسه در مقابل سکوت طولانی که

از طرف دوات ملحدة سويس بعمل آ مده

است جهار مرايه اقدامات مودت آميزي در

نا بسان گذشته بسل آورد، ولی دوات

فرانسه خود را مجيور ميداند كه رؤيم جديد

(بلوبولز) را که نقط علی است حکه

قوای شوردیا د امر از داراد عا سره

آئن - يك دسة- أوى مواحــل

وا يُوقع الجرا يكذاره و الله الله الله الله

مي دارد كه سدر اعظم السان در روز پشيج اطلاعات مثقرقه علیه در (ماکین) المق اعدد آمیزی الأزولي الأزولي يُراحد فراله و معفين ايرادامود و الله مسئله مهم سياست داخلي السازولي الملق مزبور در برأن از این انظه الله على من شود كه اظامري است مسكه كحاد فرقه جديد و دخالت در امرالتحالجت ست ، از جند سال قبل باین طرف نقشه عدان ميدهد قوه روز افزون احزاب دست

راست را دو مشاجره الم احزاب دست satisficación de la secono dela secono de la secono dela secono de la secono dela secono dela secono dela secono dela secono dela secono de la secono de la secono de la secono dela secono de la secono de la secono de la secono de la secono dela secono de la secono dela secono de la secono de la secono de la secono de la secono d تدريج تشكيل و برعده اعضاء خودافزوده المرائد اشمار مي دارند كه در

در مبان جنکل واقع بود خود را مخنی کردند . بوارله عن : - اما يظرم إن راه وا هم ا

> ن جا در كمقبب يك نفر بودم ديدم أن شخص داخل حِنكل شد ولى ديكر أز إنجا بارون المامد معلوم مى فود از همین در که می حسکوئید یه قلمه رفسته المخلاصة والمسراس بالهوارات مصم كثف ممى

سنك إسراد شدقد بس سواركرن شده اذباريش يولايت كرزان رقتند دو روز بعد فاز خاده قلمه سنك اسرار بك

درهك أي ديده مبقد كا خامل و الدراس احت كا خود درشکه چی بود و دو نفر دیگر و پواراه اینها مر کدام با خود اسبابهای بافتن سید داشتند و چنین می امو د که بر ای جبد ن جو ب برا ی فتن باسید به جناکل a cete

پس داخل حنکل شده و دو روز ی هم این عمل وإ لكرار كردند تاروز جهارم كه خوا مهي واير های ایره آسمان را مساور کرده بود بندا ن از انظار دهانهان بنجنكل رفته و در مبأن الحته هماى سالت كه

و دست حکرد در جبب خود دسته کلید يررىدر اورده په پوارله حكانت : اين اولين قدم

يوترله كفت : - با أبن كليد مة مي عود --- ! ...

ابن قلمه سان اسرار در اوی حنکل مجاور ان واقع شده است که عل اثرا هم من درست على دائم وشايد قرن مأست كه كي أمي داند إن در كيا سدو باز هم قفدة أست أبن در منتهى ببك رآه زار زميني میشود که از وسط بارای قلمه سر در ممادود ۰۰۰۰

اود و رو په بوله کرده کفت : الا إحدياج بمن داريد إنه ا بوارله مسكنت : البعه احتماج دايم

والمراس كفت : - يسالر خوب من هم شما را لا اللدر كه من الوالم عمراهي من سكلم علاوه به ان که در ایسن موضوع داو طلبانه حاضر پرای عرصكت ميياهم أزيرا در البجه الل يكشف مدس وزرکی خواهیم شد

والمراس جواب داد : - يك درب مخدى

مستأجرين شما بهد ياعند زيرا دو روز قبل كه من الله الله يوارله كليد را أز جبب خود إبرون آورد ف بن والمراس رو كرد بدو نفر رفيق همراه

شب زیاد کاریاف بود ایشان هم مدلی در مبان درخان باغ میخنی شدند که به بانند ابند و روندی در قلمه می شود یا له ایدا اثری از کسی پیدا شد نا ماه ازخلال ایر ها دمو دار شد و عمارت قلمه به جثم انها

در هبیج یك از پنجره ها آوری ظامر نیسود و 🖟 بود 🤨 ابدأ صدائي از جائي بلند نمبشد در اين اثناء ك

والراس دست بولرله را كرفله كفت : اهسته باشسكها هر ان باغجه خوابيده آند و در خون صداى خوض سك هايلند عد ٠٠٠ أبوارك خبلي ارشيد ول والراس احملة اسمالها

دوره إينده اميد مواقيق داشقه باشد حزب

را صدأ كرد أبن حبوالأت باوق بصداى سأحب خود جالب او مویدند والراس بان حبوانات که بزوک انها ارس اور اود توازش کرده ر کفت همین جا پخوابید ديكر أكان أخوريد

والراس ازجلو و بوارله ازعفب بدر کو جکی رسيدند كه يسله يوة والراس بأكوشة الماس أالكشترى خود شهشه پنجره رأ شكسته از بشت در؛ را از كرده داخل دعليز تاريكي كرديد بوئرله هم از عقب وارد

والراس بعد از جند قدى كه برداشته ديدبو ارله

شدحالادیگر بوارقه بارزوی خود رسیده داخل حمارت

يوكرله و والراس بالحراف عبارت نظر من ألدا خفلداناكاه الدر بشت سر متوقف است و عبراه أو تعبايد

شد پس دستهای خود را بهشم مالید م بعد گفت : از دست سك ما هم دجات یافتی پند ؟ خطور داخل والراس جواب داد : 🗕 من زاد از اخلاق و الله ما دیگر تاریخی میشود برای الکه میدا ن 🏲 صارت میشوی در ها نمام ضعیم و پنجره هامکم

> اينجاً كه رّسبه و المراس حبرف او را قطع. كه سالهأست از زمان مادر من در الجا مالدماند

إبوارله كفت : أن نه كان من اول بايد قطس

مرده مَنْ : .. بابن آسالی هم لبست که شها کا ن م كلبد عهور ار ديوار قلمه خيام مشكل است زيرا اولا مُسلَّحَقَلُهِنَ أَزْ يُكُ طَرْ فَ وَ صَحْمًا مَتْ وَ ارْتُمَا عَ ديوار از يك طرف مالنغ است و ثانيسا يفر ض آلك داخل شدید دو ست بزراد و حقی بأسیان قلمه می باشلد يوثرله با ليسم كفك : _ جه اهيت دارد يك

طدات و کار و شغل مستاجر طود با خبر ایستمردمستان كنشقه بارن مذكور يديدن من آمد و بمد جون مطلسم

شدم من قلمة در بيلاقات فرانسه دارم ا و هم كه مي شود الله وقت میارزد شروع میشود ، بهمین جهتمن خودم النها بايد ابن كار را الجام يدم امتب النهاخودم خواست المستسان را در علکت ما پسر برد تقاضا ی داخل قلمه میشوم و در میان درختان بارای مخفی

نكه فان با كوشت جلويفان من الدازم 👚 🐇 والراسكة والمراسكة والمرام عليم الما والمناخه و المحديث تمام مصمم عمراهي با يوكرا

مي شوم ٠٠٠

بوارله سؤال كرد : . أمّا لوين مستاجر شيا يك

مُبِياشند و الزه [الجأك رفعي ك لو أوا هـ دايت م كند ؟ بَبِشتر از نود اطاق است و او چه قسم سر از أاجاً هادر مباوري ٢ ...

وررله فكرى كرده شكفت : - شهراهنهالي وهُن ٠٠ أما إز من خوب ملثقت المبشوم خواهضمندم شما مرا حراف كليد أو الدينة والمراه والد والراس كنت :- أبن أمر عبالله كاعال است زَيرا ظهر من أبد مادرم والملائات كنم أكر لشد

عابد بيايم بكمك عما حس من الله يوسف

On the case يوارله بعد از اين ملاقات مايوسانه راه مهمان خاله ای که در آاجاً مسکن داست کرفته بر کشت و هه اش را در فكر لهيه جلك با ارسن لوين بود فر آخر روز مصمم حركت بود كه والمراس رسيده و اظهار خوشحالماز بن محددك بوارله رقيب أرسن لوبن

مشقول المحص شداد أا در مخفي قلمه را يهدا كرداد کابد وا انداخت دو باسالی باز شد

خود و كفت شما اينجا كشيك بكشيد كه ميادا راه مراجعت بر ما مسدود شود و خود او با پوارله داخل عرای زیر زمینی شداد طولی نگشید که بدری رسیده آآراً هم يا هان كليد باز كرده سر از ميان قلعمه سنك اسرار بدر آوردند 🖰 🐇 🐪 🚉

واضع کردید

. اشكيل و احتياجات فلاحسين را مورد طالمه قرار دهند (برزیدات هاردایك) . آزومی برای این اس کسور انمسوده و با فقاشای او که دایل شعب حزب جهوری طلب شمرده میشد موافقت اکرد اخیرا از ملکت (مناسول) برای عضو بت سنا (ماکنوژوهسیون) که از حزب ج.د یــد لتدكيل است انتخاب شده و در نماني كه الموده چنین اظهار میدارد که ضرورت فوری دارد قوالین جدیدی برای بهبودی اوضاع فلاحين وضع شود و الا ممكن است القلاب سباس وصامتي حتى لوسل اسلحه ببش ا يد إسهاري

شاره ۱۵۲ ؛

أسائل مرام فكرشأق حفظ حاوق فلاحين

و دهاقین بوده و میخواهند نگذارند بالاحت

بملكت سدعه وارد آمده و زاره بن بهرا

شولد بعد ازاین حزب جدید سنالر (لافات)

مروف می باشد و چندی قبل پیشاماد کرده

رد كه جاسه فرق العاده فبل أز جلسه سناه

مدولي كه درماه دسامير آينده منطدخواهد

السور من كاند كاوضاع روسيه عكن لبَّست در ابن جا مكرار غو د ابن سو و أنتنياه سرف و جه احتمال دارد قيسل از آنکه فکر آن را یکند وقایی تنایر افغاقات روسره روی دهد گزار روس هم قدو دریادی اشت ولى ام نوالت جلو كيرى لمايد ر جواب ابن سعوال که چه قشه ورأی خود اخدار کرده خواب داده بود هنو ز للعة طرح الكرده أيم ولى ميدالم كالميلس أجيز ما بايد عوش دولد باري اللخاب دُخس قوق الذكر بمنوبة سا از طرف حزب (ناوم الدريت) و موفقيق را كه دراكه ال (مكسن حاسن) هدأ إدوده كوهزه كردة حزب خود را لنيه و آكاه نمود ه لزو م النخاذ أدا بيرى وأخاطر أعان من أنمايد و مي كويد محلمل احد در سال آيلد ه جديد لندروى أزحزب جهورى طلبموسوم بز عده زيادي أز إبان حز به العضاب به (فادم لايرست) يا (يرو ترسبو) به عوند و شاید از انتخابا ب ریاست جهو ر

سيعد رويه بوارله المود، كفت : ــ حالا ديك ا اسوده شدیم رأه رایکبر وعقب من بیها 🦈

خالم محترم - جرا شما ابن قدر

ضعیف و زرد ولاغی شد. اید ؟ جادیست که

يس از وضع حمل بحال خود لبامده خوام

کم شده بستانهایم شیر ندارد یکلی از کار

خانه باز ماندم پواسطه بي قولي دي گوانم

حركت أنم قليم زياد ميزند فوا هاي

زياد أستدمأل اموده بهيجرجه مؤثر وأقسع

اشده آه خواعم عن بزم بنده از شما بدار

يودم. دكتر، تجويز كرد اوما الدين استعمال

لمايم حال جنديت مشفول اوما بين خوردن

هلم زردى صورتم لديل سرخي غده

أشتها خوب مزاجم سالم بحمد الله سفيد

كه ملاحقله مي فرمائيد در ضمن أطفال خود

رااومالتين ميدهم كه براي استخوان بندي

آ أما خيل لازم است اليله خوام عزيزم

ينوريت شروح يمنوردن اومالين شائهد كا

هبيشه خود را سالم ديده و رفجور قياشهد

🧟 جهوری طلب شق کاراد که انگذا راد کو (كيكره) اينده رياست كميسيون ها و كار های مهم بدست ایسن حزب بینتسد و از هاشرفت ابن رشته راضي البوده و انتخابات (مكنس جا سن) بكنوع ار دسق بر شد سیاست (هاردنیك) نلقس و علت آن را تحميل ماليات كراف بر علمت (مايسونا

ا الله سناار (بروکهارت) که از جهوری طلبان و نازه از اروبا مراجعت امود این مر ضمن نطق خود بنظر اهمیت زیادی به ابن حزب جدید نکاه میکند و عجالها افکار مالوجه درجه ينشرفت ابن حزب و موفقيت در بودن کرسی های (کنگسرسی) و حام اردید ایست که در صورت موفقیت ابن حزب نقهرالي فر ساست داخا ي دول مصحدة ظاهر خواهد شد يعاوري كه خاطر اولهاى وزارت جليله مستحض است (اعالی حزیره فهارین) مذنی است که ومزمة استقلال طواهي أمود و كيم ويبش اقداماك بعمل مباورتد أخيرا كابينه فيليين بمناسبت سختگیریهائی که ژارال (وود) الماينده و حاكم دولت المازوني در الجاكرده و مولیت وزرای آلجا زا در امار نکرفته أستعفا وإده المدو أبن مسأله نوليد هبحانهم در إهالي الما تموده و جون (وود) يكي أزبليسهاى مداني واكانسيت رهوه باوداده بوديد مر مرائيه بسركار أورده هيجان هدنت نموده و دولت الازوني هم از (وود) للويت كامل مينيايد أهالي فبليين المانسا داراد ك موضوح استقلال الها به (کنگرس) رجوع شوه که باینوسیله جلب نوجه دولت امریکا وا أموده در ثبل بمقصود اساس خوداهتهام نهایهٔ و پملاوه احتار ژاراله (رود)را هاشا مينهايد

و مولت المازوني بالاحرة اينطور أقرار عَاد كَابِنَ مُوضَوع المراجعة وثيس جُهوري مُسكوت عنه اِحد و آن وقت اسمد مي در أين باب كرفته شود و احتمال دارد حال فنبه بوزير جلك محول شود قبل ازجنك ممومىدوات اكازوني جندانكوجيي يهكجارت بادول أمريكاي جنوبي الدأشته و قطعه مزبور" پدیدان وسیی برای کجارت دول غربی اروبا خاسه المان فر السهوا اكاستأن شده بود در سلوات

أعلان

مهمانخانه اقتصاد - طهران دروازه قزوين

"دارای نمرات منظم و مرکب وجراغ يرق و علوب ويمناسنيك و قدراأت خاله و كلاس أكابر ورستوران نظبف وانواع خوراك های ایرانی و فرنگ نی باشد

از مسافرین و واردین ربع قیمت ساير مهمان خاله ها دريافت مي دارد از طرف داران اقتصاد و ساحیان عتل مماش تقاضا من شود يك دفعه هم شده تشريف أورته وضميت أقتصأدى والمشاهد فرمايند الله والمرم أعلان ١٩٦٥ ١٠٠ ٨٠٠ ١٠٠

جالك ولتا اازوئي مترجه ابن غنات خود شده اهتمام زياءي براي بدست آوردن كجارت دول مزيوره يسمل أورد مقام مهمى والحراز امود بعد از جنك عددا دول ارويائي و بالاخلصاس إنكاستان وفرالسه زاين امريكاي جنوبي را مهدان عملمات اقلصادي خود قرار داده دولت الازولى هم الكاهداري، قام أجأرني و اقتصادي خود رأ در بما لك

امریکای جنوبی جزو سیاست خود قرار فادم الهابت اهتمام را براى حفظ مقام خود يمل مهاورد و بار ها و سأ ير أعباب طام المنقمة رأحمواره نشويق ميتمايد كهسرماية خود را در دملکت مر بور بکار بیراد یک ازعلل اينكم قروض خارجي اين أيام اشكال دارد نهل همين مسئله نوحه سرمايه دارأنو كار هاى عام المنفعة حزب امريكا فيباشد

كاغال و شيشه عكاسي

همه تمره کاغذ مات و براق و شیشهٔ مال کار خانه (لومیر ژوکلا) حدیداً همه دمره عصد حد ر برت د دوا خانه عمده فروش اور وورد الموده كارت بسقال البزمال الومير موجود است دوا خانه عمده فروش اور وورد الموده كارت بسقال البزمال الومير موجود است أمره أعلان ٨٨٨

اسفارت به متلايا سوناك

شفاى كابل با استعمال حد هاى البرت

🔭 🐃 مجارب متمددی که در آین اواخر در روی خواس قبربولوژیکی شیمهاوی اسائسُ اسائطال خالص تواسطه يروفس كالزور دانشمندان أفرائسه شده ثابت مبشود كسة كركيبات أو أولين دوائمي است در مُمالجه إمراض مجارى أدرار يخدوس ابن كيدول های مرکب با اسانس سالطال خالص وسایل و فورمین و بلو دو متهل کسه با دقت و احتباط فوق العاده در ياريس درست شده و موسوم بحب البرت مي باشد بهترين الركيب معروف امهوز است كه در معالجه سوزاك خدمت بزركي بمبتلايان أموده و در أندك مدلي الها را أز ولم سوزاك بدون عوار ض ديكسكرى النودة و شفساي كالملي أبيدهد قدر خوراك أز يش حكيدول فالشميت حكيول در روز مي الوان خورد Le lake YAY

المراجعة المراجعة

كالور شهر أو يشميمه كاروالسرا أجاره داده ميشود طالبين در ليمجه حاجب الدوله بحجرة حامی سید محمد علوی وجوع فرمایند

يك يدانو خوب بقيمت تازل بفروش ميرسد خاليسين بدكل اين روز أأمة مراجب فرمایند نمره آملان ۲۸۵

اءلان

﴿ حُونَ هَمُهُ رُورُهُ أَشْخَبَاصُ بِرَايُ ثَيْثُ مِمَامِلاتُ مُرْبُوطُهُ فِا مَلاكُ فِا دَارُهُ ثَيْتُ أَسْنَادُ مراجعه من نهایند و پراسطه عشدم کوجسه کامل بمقررات قانون جدید می خواهند پدون نأمل اسناد آ نها ثبت شود انه اداره ثبت اسناد و املاك باطلاع عموم میرساند كه مطابق قانون حدید موضوع ثبت دو قدمت أست

🦫 اول 🧢 🗕 ، ثبت املاك كه بايد با اجراي مقررات قانون حديد بسمل آيد ونقل و المقالات رَاجِمه بِدِين يا مَنَافَع إملاك وفق مَمكن است ثبت شود كه قبلا أصل للك بِنام قروشنده و مَعَامِل در دفتر أملاك ثبت شده باشد ا بنا ثهر أين كسانبكم عابلند در موقسع يَبِش آمدُن مَعْمَامُهُ صَرِيوطةً با ملاك خود يَهْبَجُوجِه مَعْلَى تَدَاشَتُهُ بَاشَنِد وَأَزْ حَقُوق مَالكَيْت خوا كا الا إدره مند و دو آكبة از العرض مدعبان بكلي نحفوظ بهانند في بايست قيدالا "يراى ثبت ملك إنسام خود اقدام لهايند الما دولت فقط آنها وا مالك رسمي شناخته و هم لدى الحاجة ماملات ألها فوراً ثبت أردد

و معامرة و معامرة و الموراً و معامرة و معامرة و معامرة و الموراً تجاری و کنترات ها و قرار داد ها و شرکت نامها و پروات و اتباز نامها و فرامین و القاب و نشأن هــا و غيره پدون تامل ثبت خواهــد شد و يُسُّرِّازُ ثبتُ مفاد آن يدون احتهياج بمحاكمه لازم الاجراست

OVOMALTINE ILLE



آقای محترم شها وا خال قوی وسالم مى يبام آيا أز طنوابت بهمين حال بوديد ؟ أَهُ أَ خَيْرِ ضَعْفَ ثَرَ إِزْ شَهَا يُودِم بِسَ حِهُ شد که ضعف و کسالت شها برطرف کردید ؟ يله من مدتها ميتلا يسوء هضم يودم و ميل يفذا حبيج اداشتم و فوق العادة يبوست مرا أَذَبِتُ مَهِكُرُدُ ۚ كَمَّا ابْدُـكُمْ بِكِي ازْرَاطْبَاءُ ارْوَبِائِي مرا باستعمال اومالتين هدايت كرد طولى الكشيد یکلی کسالتم رفع حالم خوب و برای مزاجم يهترين لقمة المياح است

حال دوست حزيزم فورى بدوا خاله باستور وفقه يك جميه أومالتين كرفته شروع باستمال آن نمائيد يا يكلى كساكت عما رديم جان و فريه شويد

حب ترك ترياك

دیگر هیچ لزومی ندارد که ما از حب های خود تحریف کنیم ریز خوالی هم امهكنيم حب هاى ما صدق حرف هاى مارزاً إن ميكند در إبن حيا فقط ما خفوقتيم ک عدة از نوع پشر را از این مرض مزمن و موزی آجآت داد . آن ها را از خمودكي دائمي خلاس أنم جنان جه معلمادين مايل بقرك باشند بدوا خانه باستور وجوع فرمایند و بعد از گرای آن ما را از اشکرات خود خصنود فرمایند امره اعلان ۲۸۲

سالاد

باروغن زيتون كازة سحبح خوردن مارد

روعن زياون آازه ماه يهاه يراى دوا حانه ياستور وارد مهدود و يا عليار دوا خاله بفروش ميرسد يك دفعه تجربه يقمأ ثابت خواهد كرد ، كه با روض زيعون الزه سحيح دواخانه واستور سألاد أن جه لذلي خواهد داد

Les lake TAY 3 - Vo

بقرش

پروس – باریس پاوس – باریس	يورس ــ طهران خريد فروش
44-44	
البويورك (١٧٠٥-١٧٠) . المان ا	ه الكراني مساع ــــــــــــــــــــــــــــــــــــ
	باریس سواس کا در
اسانی ۱۹۹۹-۹۷ ابالیا	ابوید
سویس ۱۰۰-۵۰ ۱۹۰۰ ا	رووره بميان - ١٠١٠ -١٠١٠

شركت مطبعه مدرن